

## نقش سرمایه اجتماعی در توسعه

سرمایه اجتماعی باعث انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در بین شهروندان شده و هر گونه کاهش در آن منجر به کاهش مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می‌شود.

سرمایه اجتماعی باعث انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در بین شهروندان شده و هر گونه کاهش در آن منجر به کاهش مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می‌شود.

سرمایه، واژه‌آشنایی است که بارها و بارها آن را شنیده‌ایم و شاید با تامل و تعقل و یا ساده و بی‌تفاوت از آن گذر کرده‌ایم اما باید بدانیم سرمایه، معنای گسترده‌تری از آنچه ما می‌اندیشیم، دارد. سرمایه، فقط شامل مال و ثروت و پول و دارایی نمی‌شود بلکه توانایی‌ها، استعدادها، علاقه‌مندی‌ها و حتی بینش یک فرد نیز جزو سرمایه‌های او به شمار می‌رود؛ سرمایه‌هایی که برای یافتن آنها باید درکی عمیق و بینشی وسیع داشت.

یکی از سرمایه‌های مهم هر جامعه و شهری که از مولفه‌های اساسی و مؤثر در توسعه و ثبات، پویایی و سرزندگی آن شهر محسوب می‌شود، سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که زیر بنای توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یک کلانشهر و حتی یک کشور است. اهمیت این سرمایه، به میزانی است که از آن به‌عنوان ثروت نامرئی یک جامعه یاد می‌کنند. هر گونه کاهش در آن، منجر به کاهش مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می‌شود و همچنین رشد آسیب‌ها و جرائم اجتماعی، بی‌اعتمادی، یأس و ناامیدی و احساس محرومیت نسبی و بسیاری از ناهنجاری‌ها نتیجه تقلیل سرمایه اجتماعی در بین شهروندان یک کلانشهر است.

از سرمایه اجتماعی، به‌عنوان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه و شهری یاد می‌کنند. اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی یک جامعه، تا حدی است که می‌توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمام جوامع توسعه و شهرهایی که در صدر جدول توسعه یافتگی قرار دارند، به‌طور آشکاری مشاهده کرد.

سرمایه اجتماعی را در اقتصاد هر شهری می‌توان در اعتمادپذیری و روحیه همکاری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف اقتصادی جامعه تعریف کرد.

سرمایه اجتماعی ضمن شکل‌دهی به مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی و رفتاری هر جامعه، به رفتار افراد نیز شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند با هم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی دست یابند. سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می‌شود و در خدمت منافع اقتصادی قرار می‌گیرد و بستر و فضای ایجاد می‌کند که ضمن کاهش هزینه‌های استفاده از نیروهای انسانی، تعامل بین آنها نیز افزایش یابد.

سرمایه اجتماعی با قواعد و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری خود در حوزه اقتصاد، افراد را مقید می‌کند تا در گروه‌های مختلف اجتماعی با هم به تعامل، مبادله و تصمیم‌گیری بپردازند.

به‌عنوان مثال می‌توان از واژه‌هایی مانند: اعتماد، امانتداری، نیکوکاری، خیربودن، صداقت و توجه به ارزش‌های مذهبی در کسب و کار، به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی در حوزه اقتصاد یاد کرد که اگر در رفتارها و قواعد و مبادلات اقتصادی و هنجارهای آن حاکم شود، می‌تواند به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک کند؛ زیرا وجود عاملی به نام اعتماد، موجب شکل‌گیری گروه‌هایی می‌شود که با اطمینان به یکدیگر، در حوزه اقتصاد جامعه فعالیت می‌کنند.

اما بعد از اعتماد می‌توان از خلاقیت و نوآوری توسط نیروهای انسانی، به‌عنوان یک سرمایه مهم اجتماعی دیگر، یاد کرد. رشد و توسعه اقتصادی، نیازمند خلاقیت است و مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که بخش اعظمی از رشد و توسعه اقتصادی هر جامعه و کلانشهری، با استفاده از این ثروت نهفته، شکل گرفته است. رشد ابداعات، خلاقیت و نوآوری در بهره‌وری اقتصادی، نقش دارد و باعث

می‌شود از سرمایه‌های دیگر شهر در حوزه اقتصاد، به نحو مطلوب و مؤثرتری استفاده شود.

اما متأسفانه با وجود تمام موفقیت‌ها، مبحث سرمایه اجتماعی نتوانسته است جایگاه شایسته خود را در حوزه اقتصاد پیدا کند و هنوز شاخص فراگیری که بتواند میزان سرمایه اجتماعی و تحولات آن را در یک شهر اندازه‌گیری کرده و نوسانات آن را اداره کند، در دسترس نیست. سرمایه اجتماعی، یک متغیر چندوجهی است و لازم است که این عامل مهم و زیربنایی در حوزه اقتصاد، هر چه بیشتر شناخته و اندازه‌گیری شده و هر چه بهتر، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

مهم‌ترین سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی، مشارکت شهروندان در صحنه‌های گوناگون سیاسی است. این سرمایه اجتماعی (یعنی حمایت مردم از مدیریت شهری) یکی از مصادیق بارز موفقیت در توسعه سیاسی است و نماد آن نیز شرکت آگاهانه مردم در عرصه‌های مختلف مانند انتخابات شوراها و اسلامی شهر است.

عوامل مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی برای توسعه سیاسی نقش دارند که عبارتند از: آگاهی: زمانی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه نمی‌شوند، از اجتماع خود دور هستند و بنابراین، شناخت کافی از مسائل و نیز قدرت انتخاب و فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت شهر خود را ندارند. بدین ترتیب، توسعه سیاسی، عملاً غیرممکن می‌شود.

اعتماد: زمانی که اعتماد عمومی در بین شهروندان بالا باشد، اساس سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود اما در صورت پایین بودن این اعتماد، شکل‌گیری توسعه اجتماعی، غیرممکن خواهد بود. عدم اعتماد نیز می‌تواند ناشی از 2 عامل باشد؛ سابقه نامطلوب اقدامات نهادهای اجتماعی و نخبگان و مدیران شهری و یا فقدان اعتماد جامعه به توانایی‌های خودش.

مشارکت: با مشارکت تمام شهروندان در سرنوشت خود و همه امور مربوط به خود، سرمایه اجتماعی پدید می‌آید. افراد، با چنین اقداماتی، به پیشرفت و توسعه شهر کمک می‌کنند و اگر این سرمایه اجتماعی افزایش یابد، توسعه سیاسی نیز به تدریج، اتفاق می‌افتد.

سرمایه اجتماعی، زیربنای توسعه فرهنگی در هر جامعه نیز محسوب می‌شود. هر چه سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های فرهنگی تقویت شود، توسعه فرهنگی نیز سرعت بیشتری به خود می‌گیرد و در نتیجه رفتار شهروندان و نحوه تعاملات آنها قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود؛ چرا که افراد، در چارچوب قواعد خاص فرهنگی، رفتار می‌کنند و این رفتار حساب شده، منجر به گسترش اعتماد بین شهروندان می‌شود و با افزایش قابلیت اعتماد در بخش‌های مختلف فرهنگی، مناسبات اجتماعی و فرهنگی هم، روان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌شود.

روشنفکران، دانشمندان، پژوهشگران، فناوران، مدیران، نویسندگان و عموم تولیدکنندگان علم در هر شهری، از سرمایه‌های مهم اجتماعی در حوزه فرهنگ، محسوب می‌شوند که باید مورد شناسایی و حمایت و بهره‌برداری قرار گیرند تا آنها نیز به شکوفایی شهر کمک کنند. با سقوط این سرمایه‌ها، ارزش‌های اخلاقی و حتی دینی هم تنزل می‌یابند. تأکید مدیریت کنونی شهر تهران در تبدیل شهرداری به یک نهاد اجتماعی و فرهنگی نیز از همین روست.